

رویکرد نوین آمریکا نسبت به پاکستان

تحقیق: موسسه هودسون / حسین حقانی / مدیر امور آسیای جنوبی و مرکزی در مؤسسه هودسون
قسمت دوم / لیزا کورتیس / پژوهشگر ارشد، مرکز مطالعات آسیا در بنیاد هریج

دربارهٔ مؤسسه هودسون: مؤسسه هودسون یک سازمان تحقیقاتی است که رهبری آمریکا و مشارکت جهان را برای آینده امن، آزاد و سعادت‌مند ترویج می‌کند.
مؤسسه هودسون که در سال ۱۹۶۱ میلادی توسط استراتژیست هرمان کان بنیان گذاری شده، تفکر متداول را به چالش می‌کشد و به مدیریت گذارهای استراتژیک به آینده از طریق انجام مطالعات چندرشته‌ای در زمینه‌های دفاع، روابط بین الملل، اقتصاد، مراقبت صحتی، تکنالوژی، فرهنگ و حقوق یاری می‌رساند.
مؤسسه هودسون سعی دارد تا سیاست‌گذاران عامه و رهبران جهانی در حکومت و کسب و کار را از طریق پیشبرد یک برنامهٔ جدی در انتشار تحقیقات، برگزاری کنفرانس‌ها، پخش توجیهات سیاست‌گذاری و ارائه پیشنهادات، هدایت کند.

بعضی از قدرتمندترین سازمان‌های ترویرستی مستقر در این کشور، اغماض و چشم پوشی کرده است. این گروه‌های ترویرستی با استفاده از پناهگاه‌های امن در پاکستان، بزرگترین تهدید را متوجه دولت افغانستان می‌کنند. در مورد اینکه آیا رهبری غیرنظامی پاکستان اهمیت اتخاذ یک رویکرد جامع علیه تروریسم و افراطگرایی را درک می‌کند یا خیر، علائم متناقضی وجود دارد. در حالی‌که رهبران نظامی و استخباراتی این کشور به سیاست حمایت شان از گروه‌های ترویرستی که در افغانستان و هند می‌جنگند، ادامه می‌دهند. بعضی از رهبران غیر نظامی پاکستان از انزوا فزاینده‌ی پاکستان در مجامع بین المللی بخاطر مسئله حمایت و پشتیبانی از تروریسم، نگران هستند. خوشبینی محتاطانه‌ای وجود داشته است که امکان دارد رئیس جدید ستاد مشترک ارتش پاکستان، جنرال قمر جاوید باجو، خط مشی سخت‌گیرانه‌تری در قبال در تروریسم نسبت به سلف خود، جنرال راجیل شریف، در پیش گیرد. جنرال راجیل شریف تروریست‌های را که تهدیدی در مقابل دولت پاکستان بودند، سرکوب کرد، اما برای مهار تروریست‌های که دست به انجام عملیات تروریستی در افغانستان و هند می‌زدند، کار زیادی انجام نداد. گذار آرام از یک رئیس ستاد مشترک اردو به یک رئیس دیگر و عدم دخالت در تصمیم‌نخست وزیر نواز شریف در این مورد، مورد استقبال مثبت همسایگان پاکستان قرار گرفت. با این حال، اظهار نظر در مورد اینکه آیا جنرال باجو تغییرات معنا داری را در سیاست پاکستان در قبال اعمال خواهد کرد، قبل از وقت است. امیدهای مشابه در مورد فرمای پیشین اردوی پاکستان، طی دو دهه گذشته، راه بجایی نبرده است. اداره اواما در رابطه با اکتا بر ترکیبی از برقراری روابط شخصی با فرماندهان اردوی پاکستان و ارائه کمک‌های اقتصادی و نظامی به عنوان ابزاری برای تغییر سیاست‌های پاکستان، دچار خطا شده بود. دریاسالار مایکل موبن، رئیس پیشین ستاد مشترک اردوی آمریکا، ۲۵ جلسه با فرماندهی پیشین اردوی پاکستان جنرال اشرف پرویز کیانی داشت و امیدوار بود تا تفکر او را تحت تأثیر قرار دهد. دیدارهای بی‌شمار مقامات عالی رتبه به شمول ملاقات‌های رهبران ارشد پاکستان با رئیس جمهور اواما نیز، در ایجاد تغییرات مطلوب در سیاست‌های پاکستان، ناکام ماندند. منصفانه است اگر بگویم که اداره اواما اولین اداره آمریکا نبود که اطمینان‌ها و وعده‌های پاکستان مبنی تغییر سیاست این کشور را، پذیرفت و به آن باور داشت. ادارات قبلی آمریکا که سابقه آن به حکومت رئیس جمهور آیزنهاور بر می‌گردد، امیدهای بزرگی به اتحاد شان با پاکستان، بسته بودند و نتیجه‌ی جز یاس و سرخوردگی به دست نیاوردند. پاکستانی‌ها بر این باور هستند که آنها کمک‌های آمریکا را به صورت عادلانه ای با ایفای نقش طبق برنامه‌های استراتژیک آمریکا، جبران می‌کنند؛ مهار کمونیسم در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، جنگ با شوروی در افغانستان در دهه ۱۹۸۰ و رسیدگی به مشکل القاعده بعد از واقعه ۱۱ سپتامبر. آنها شکایت دارند که واشنگتن نگرانی‌ها و امیال منطقه‌ای پاکستان را در نمی‌کنند. به سخن دیگر، پاکستان رفتار خود در قبال آمریکا را بر اساس تلقی‌های که از تهدیدهای که متوجه این کشور است، توجیه می‌کند.

پاکستان مزیت‌هایی را در دست یافتن به یک پیامد مورد مذاکره ببینند، اما آنها تاکنون تمایلی به وارد کردن فشارهای کافی بر طالبان برای کاهش خشونت‌ها در افغانستان و واداشتن شورشان به انجام مذاکرات جدی، نداشته‌اند. طالبان بدون اینکه فشار کافی بر پناهگاه‌شان در داخل پاکستان وارد شود، به این ارزیابی خود ادامه می‌دهند که آنها می‌توانند از طریق نظامی بیروز این جنگ باشند. در واقع، در گذشته مثال‌هایی در این رابطه اتفاق افتاده که پاکستان فعالانه در جهت مختل کردن تلاش‌های صلح میان طالبان و حکومت افغانستان کار کرده است. این واقعت مسلم، که اسامه بن لادن از پناهگاهی در نزدیکی آکادمی نظامی پاکستان در زمان حمله آمریکا در ۲۰۱۱ بهره‌مند بود، به سرخوردگی ملی آمریکا از پاکستان افزوده است. ولی وابستگی آمریکا به پاکستان به خاطر حمایت لژوستیکی از نیروهای آمریکایی در افغانستان، مانع اتخاذ اقدام تنبیهی آمریکا علیه پاکستان شد. علی‌رغم وجود اطلاعاتی در مورد حملات طالبان و شبکه حقانی علیه نیروهای آمریکایی و آسیات در افغانستان از خاک پاکستان، کمک‌های آمریکا به پاکستان، ادامه یافت. در سه‌ماه نوامبر ۲۰۱۱ نیروهای ناتو به رهبری آمریکا، یک حمله ضد تروریستی در موقعیتی در نزدیکی مرز پاکستان، به راه انداختند. نیروهای پاکستانی از توپخانه و سلاح‌های سنگین برای حمله به بالگردهای آمریکایی، کار گرفتند. این کار آنها، بر اساس فرمانی بود که از سوی اردوی پاکستان در پی حمله اردو آمریکا مخفیگاه اسامه بن لادن و کشتن او در ماه می ۲۰۱۱، صادر شده بود. طیاره‌های آمریکایی در واکنش، به مقابله با نیروهای مرزی پاکستان پرداختند و در نتیجه، ۲۸ سرباز پاکستانی شد، پاکستان در اقدام تلافی جویانه، خطوط زمینی ارتباطات بر روی نیروهای ناتو مسدود کرد. آمریکا تا ماه جون ۲۰۱۲ برای تأمین امکانات نیروهایش، به مسیر شمالی متکی بود که گران تر تمام می‌شد. پاکستان بخاطر نفعی که شرکت‌های بندری و ترانسپورتی اش از ارائه خدمات به خطوط زمینی ارتباطات، می‌برد، سر انجسام در مورد بازگشایی این خطوط مصالحه و توافق کرد. این مصالحه به مقامات پاکستانی فرصت داد تا ادعا کنند که آمریکا به نیازش به پاکستان، اذعان کرده است. حالا که در آغازین روزهای اداره ترامپ، آمریکا در حالی به فراهم کردن کمک‌های اقتصادی و نظامی به پاکستان ادامه می‌دهد که به اهداف خویش نرسیده است و نتوانسته است پاکستان را قانع کند که سیاست حمایت تروریست‌های نیابتی را برای پیشبرد اهداف استراتژیک منطقه‌ای خود، کنار بگذارد. با این وجود تحولات مثبتی در ارتباط به اقدام پاکستان علیه تروریست‌های که به دولت این کشور حمله می‌کنند، رخ داده است. از اواسط سال ۲۰۱۴، پاکستان عملیاتی را برای سرکوب شدید تحریک طالبان (به اصطلاح طالبان پاکستانی) در مناطق قبلی هم مرز با افغانستان، شروع کرد. این عملیات به کاهش تهدید تروریسم در داخل پاکستان، کمک کرد. پاکستان همچنان یک «برنامه عمل ملی» را در جنوری ۲۰۱۵ در پارلمان به منظور از بین بردن تروریسم و افراطگرایی در داخل پاکستان، تصویب کرد. اما این اقدامات مثبت، کافی نیست و امکان دارد با دوام پاکستان تا کنون از هدف قرار دادن

اداره اواما که از انتخاب یک حکومت غیر نظامی در پاکستان در سال ۲۰۰۸ دلگرم شده بود، تصمیم گرفت یک بسته کمک غیرنظامی چند ساله را به عنوان مشوق، برای همکاری حکومت این کشور با آمریکا، عرضه کند. این اولین باری بود که آمریکا به صراحت از حاکمیت غیرنظامی پاکستان با ارائه مساعدت عظیم اقتصادی، اعلان حمایت می‌کرد. قانون ارتقای شراکت با پاکستان در سال ۲۰۰۹ (معروف به لایحه کری، لورکا، برمان) یک و نیم میلیارد دالر کمک غیرنظامی را به پاکستان برای پنج سال و با امکان تجدید برای پنج سال دیگر، فراهم می‌کرد. این بسته کمک‌ها، به عنوان پایان روابط «معامله‌گرانه» با نمایان پاکستان و آغاز همکاری عمیق با مردم و نمایندگان منتخب این کشور، ارائه می‌شد. بسته کمک‌های غیر نظامی به پاکستان، دارای قید و شرط‌هایی بود که به منظور بازداشتن تشکیلات نظامی و استخباراتی پاکستان از حمایت گروه‌های سبزه‌جو در افغانستان و هند، وضع شده بود. مشوق‌های مثبت که به نمایان پاکستان به شکل کمک‌های نظامی، تجهیزات جنگی و پول نقد به شمول بازپرداخت مصارف، عرضه می‌شد، با ستایش علنی و با فشار خصوصی برای ایجاد تغییر در سیاست‌های پاکستان، توأم شده بود. واشنگتن امید داشت که مساعدت غیرنظامی (از طریق لایحه کری – لوگار – برمان) و حمایت از حکومت غیرنظامی پاکستان به تحکیم تمایلات دموکراتیک و توانمندسازی غیرنظامیان در اعمال اقتدار بیشتر بر تشکیلات نظامی و استخباراتی این کشور، یاری رساند. با این حال، بسته کمک‌ها طوری طرح نشده بود که تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر اقتصاد، صحت یا تحصیل در این کشور داشته باشد. حکومت‌های غیرنظامی پاکستان – هم حکومت حزب مردم پاکستان (PPP) (۲۰۰۸ – ۲۰۱۳) و هم حکومت حزب مسلم لیگ پاکستان شاخهٔ نواز شریف (PML/N) (۲۰۱۳ – حال) – به طور شاید و باید در عقب راندن پارادایم موجود امنیت ملی ناکام مانده‌اند و سیاست‌هایی که تشکیلات امنیتی پاکستان تعیین می‌کند، کماکان یا برجا هستند. بر علاوه، نیاز آمریکا به حمایت لژوستیکی پاکستان در تأمین امکانات نیروها در افغانستان به وضعیتی انجامید که در آن، اجرای این همزمان سیاست مکافات و مجازات پاکستان از سوی واشنگتن، میسر نبود. اداره اواما می‌خواست نیروهای آمریکایی را از افغانستان خارج کند و در ضمن، یک حکومت امن و باثبات در افغانستان بر جای بماند. بدین منظور، اداره اواما یک مسیر سیاسی را برای حل منازعهٔ افغانستان در پیش گرفت، اما این راهکار، به استفاده از نفوذ پاکستان بر طالبان برای حضور در میز مذاکره، بستگی داشت. هر چند ممکن است رهبران نظامی

سرمقاله تصمیم به توزیع تذکره الکترونیکی و امیدهای تازه محمد هدایت

یکی از مهم‌ترین چالش‌های سیاسی و امنیتی در افغانستان، نبود آمار درست و فقدان سرشماری نفوس است. بسیاری از تنش‌های قومی و سیاسی و نیز بسیاری از مشکلات امنیتی ناشی از عدم احصایه درست است. چون اکنون دقیقاً معلوم نیست که شهروندان کشور چه کسانی و چند میلیون نفر هستند و در کجا زندگی می‌کنند. در وضعیت کنونی به راحتی شهروندان کشورها و همسایه و یا دیگر کشورها می‌توانند تذکره تابعیت افغانستان را به دست آورند و به عنوان شهروند کشور دست به فعالیت‌های تجاری و تروریستی بزنند. هم‌چنین هستند کسانی که هم‌زمان دارای چند تذکره تابعیت باشند و از این طریق دست به تخلف‌های انتخاباتی و امنیتی بزنند. توزیع تذکره الکترونیکی می‌توانست بسیاری از مشکلاتی را که در پروسه‌های انتخاباتی و هم‌چنین امنیتی وجود دارد، حل کند. اما متأسفانه در سال‌های گذشته این موضوع به نحوی در دایره باطل سیاست زدگی و منازعات گیر افتاد و تا کنون عملاً کار آغاز توزیع تذکره‌های الکترونیکی شروع نگردیده است. نخستین چالش در بحث‌های تند مجلس نمایندگان به وجود آمد و تا حکومت وحدت ملی کشیده شد. مهم‌ترین اختلاف میان کتله‌های سیاسی و قومی، بر سر درج کلمه «افغان» به عنوان ملیت تمام مردم افغانستان در تذکره‌های جدید بود. تعدادی صورت گرفت و فرصت‌ها هم چنان سوخت. اکنون تعدادی نیز مخالف آن، تا جایی که از مباحث و گفتگوهای هر دو طرف در عرصه‌های عمومی به دست می‌آید، این است که این مشکل یک مشکل سیاسی است نه یک چالش حقوقی. به هر صورت علی‌رغم مصارف گزاف در سال‌های گذشته در زمینه استخدام و تربیت منابع بشری برای انجام کار توزیع تذکره‌های الکترونیکی، فراهم سازی برخی از مقدمات کار، اقدام عملی در این راستا صورت نگرفت و فرصت‌ها هم چنان سوخت. اکنون افغانستان است، با میلیون شهروند با تذکره‌های کتابچه‌ای و یا یک ورقه که به راحتی قابل جعل و هر گونه سوء استفاده است. اگر در حکومت گذشته تصمیم و اراده جدی برای توزیع تذکره‌های الکترونیکی وجود می‌داشت و این کار صورت می‌گرفت، ما اکنون نه شاهد بحران انتخاباتی بودیم و نه تاخیر چند ساله در انتخابات ولسی جرگه. هم‌چنین بسیاری از مشکلات امنیتی و جنایی را نیز امروز نمی‌داشتیم. اکنون به نظر می‌رسد رهبران حکومت وحدت ملی پس از مذاکرات و مجادلات زیاد به توافق مهمی در زمینه توزیع تذکره الکترونیکی دست یافته‌اند. این موضوع را دفتر مطبوعاتی معاون دوم ریاست جمهوری افغانستان در صفحه فیسبوک خود نوشته است. بر اساس گفته‌های برخی از منابع در حکومت، رییس جمهور غنی تا اواخر همین هفته و پیش از اتمام تعطیلی زمستانی مجلس نمایندگان، قانون تبدیل شده ثبت احوال و نفوس را طی یک فرمان تقنینی توشیح خواهد کرد و پس از توشیح اقدامات عملی در زمینه توزیع تذکره الکترونیکی شروع خواهد شد. در طرح تعدیل ماده ۶ قانون ثبت احوال و نفوس که در سال گذشته در کمیته قوانین کابینه مورد تأیید قرار گرفته است، علاوه بر درج کلمه افغان به عنوان ملیت تمام مردم افغانستان، نام قوم هر فرد نیز ذکر خواهد گردید. این گزینه، تنها وجه الجمعی است که به نظر می‌رسد همگان به آن تن داده‌اند و حاضر شده‌اند تا از کارشکنی‌ها در روند توزیع تذکره الکترونیکی دست بردارند. هر چند هنوز مشکلات تخنکی زیادی فرا روی توزیع تذکره الکترونیکی وجود دارد و بدون تردید طی سال‌ها باید این کار صورت گیرد، ولی نفس تصمیم در مورد آغاز به کار توزیع تذکره‌های جدید، یک گام مهم و مثبت در راستای حل مشکلات اساسی مردم افغانستان است. توزیع تذکره الکترونیکی سبب خواهد شد تا آمار دقیق و روشن از میزان نفوس تمام مردم افغانستان و هم‌چنین میزان نفوس هر قوم به دست خواهد آمد. این امر هم می‌تواند زمینه مشارکت عادلانه در فرصت‌ها را به وجود آورد و هم بسیاری از مشکلات را کاهش دهد. بشارت به توزیع تذکره الکترونیکی هم‌چنین می‌تواند برای مردمی که خسته از جنگ و رخدادهای تلخ امنیتی هستند، امید تازه‌ای خلق کند. نفس باور عمومی به یک گام مثبت از سوی دولت، دلگرمی و وفای حکومت را تقویت کرده و مردم را به سمت و سوی امید سوق می‌دهد.



روزنامه افغانستان با
The Daily Afghanistan Ma

دو زبان: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷

بنیان گذار: دکتر حسین یاسا
مدیر مسول: محمد رضا هویدا
سردبیر: حفیظ الله زکی
کاریکاتورست: خالق علی زاده

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

روزنامه افغانستان ما از همهٔ دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می‌نماید.
هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد.
مقالات وارده بازگردانده نمی‌شود.
مسئولیت مقالات به عهدهٔ نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله‌یاینگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.